

تمرین‌های دوره استدلال و ورزشی نقادانه – هفته چهارم

نام و نام خانوادگی، گروه کلاس (گروه صبح / گروه عصر)

تمرین‌های آموزشی:

۱. تمرین (فردی): برداشت فکری خود را از جلسه کلاسی و بحث‌های گروهی خود بنویسید. می‌توانید به مهم‌ترین برداشت‌های شخصی و پرسش‌های خود اشاره کنید. نوشتن چنین برداشتی به عمیق شدن یادگیری و شبکه‌ای شدن دانش در ذهنتان کمک می‌کند. برداشت‌ها را در گروه تلگرامی منتشر کنید.

۲. تمرین (فردی-گروهی): استدلال موجود در عبارات زیر را بازسازی کنید:

نمونه حل شده:

من نباید در حال حاضر یک ماشین بخرم. به تازگی گواهینامه رانندگی‌ام را گم کرده‌ام، و بعلاوه، قدرت مالی برای خریدش را ندارم.

مقدمه ۱: من به تازگی گواهینامه رانندگی‌ام را گم کرده‌ام.

مقدمه ۲: من قدرت مالی برای خرید خودرو ندارم.

نتیجه: من نباید در حال حاضر یک ماشین بخرم.

- من که استفاده از لوسیون بهداشتی آروین را به شما توصیه می‌کنم. این محصول بیش از ۷۰ درصد رضایت مشتریان را به خود اختصاص داده است. و می‌دانید که محصول‌های پرفرمدار، امتحان خود را پس داده‌اند.
- من با انتخاب آقای الف موافق نیستم. اگر هر فردی فقط به خاطر مدرک دانشگاهی و اعتبار علمی برای این پست حساس مناسب می‌بود؛ که افراد با مدرک دانشگاهی معتبرتر هم به ما معرفی شده‌اند! آقای الف هیچ سابقه اجرایی ندارد!
- سینا از این درس نمره کامل گرفته است. به تمام دانشجویانی که گزارش کار عملی خود را تا قبل از امتحان ارسال کرده بودند، نمره کامل داده‌ام. گزارش عملی سینا را هم خودم دیدم.
- در این رشته ورزشی اگر خیلی سریع دستت را بالا ببری احتمالاً امتیاز منفی می‌گیری. تازه امکان دارد که تاندون دستت هم آسیب ببیند. پس دستت را سریع بالا نبر.
- کسری بودجه کشور را باید کاهش داد، این کسری بودجه به تورم دامن می‌زند و باعث لطمه دیدن صادرکننده‌ها می‌شود.

۳. تمرین (فردی-گروهی): استدلال موجود در عبارات زیر را بازسازی کنید و در صورت نیاز مقدمه (ها)ی ضمنی (محذوف) را مشخص کنید:

نمونه حل شده:

برنامه تامین اجتماعی نوعی اخاذی است، پول را از جیب یک شخص می‌گیرد و به جیب دیگری سرازیر می‌کند. از آن‌جا که کارکرد دولت حمایت از حقوق فردی، از جمله حق مالکیت فردی است، دولت نباید متولی برنامه‌های تامین اجتماعی باشد.

مقدمه ۱: برنامه تامین اجتماعی نوعی اخاذی است.

مقدمه ۲: اخاذی یعنی، پول را از جیب یک شخص گرفتن و به جیب دیگری سرازیر کردن.

مقدمه ۳: کارکرد دولت حمایت از حقوق فردی، از جمله حق مالکیت فردی است.

مقدمه ۴ (ضمنی): نقض حقوق مالکیت فردی، اخاذی است.

نتیجه ۵: دولت نباید متولی برنامه‌های تامین اجتماعی باشد.

۱) آزار جسمی هیچ موجود زنده‌ای اخلاقی نیست. پس این به اصطلاح دانشمندان که آزمایش‌های بی‌رحمانه خود را روی حیوانات بی‌گناه انجام می‌دهند، همان‌قدر مجرم‌اند که هیتلر و شکنجه‌گران نازی.

۲) نباید با کامران راه بیایی، این دومین بار است که به قولش وفا نمی‌کند.

۳) مطالعات نشان می‌دهد که سیگار کشیدن موجب سرطان ریه می‌شود. پس اگر سیگار بکشی، سرطان ریه می‌گیری!

۴) اینکه شما آقای ب را بزرگ‌ترین شاعر قرن حاضر می‌دانید، جای تعجب دارد! آن‌هم این روزها که هر معلم ادیبانی حداقل دو کتاب شعر چاپ شده دارد.

۵) اثرات بازی‌های کامپیوتری بر روح و روان کودکان، بر کسی پوشیده نیست. این روزها همه یک کودک معتاد به بازی‌های کامپیوتری در خانه دارند.

۴. تمرین (فردی-گروهی): استدلال موجود در عبارات زیر را بازسازی کنید و در صورت نیاز مقدمه(ها)ی ضمنی(محدوف) و نتیجه(ها)ی ضمنی یا واسط را مشخص کنید:

نمونه حل شده:

بسیاری از مردم هنگام بحث کردن خیلی سریع صحبت می‌کنند؛ زیرا از سکوت کردن نگران‌اند. خودشان هم غالباً تصدیق می‌کنند که وقتی از آنان سؤال می‌شود، زود شروع به صحبت می‌کنند تا مطمئن شوند هیچ وقفه‌ای در بحث پیش نمی‌آید. آن‌ها عادت ندارند در بحث کردن از سکوت استفاده کنند و نمی‌دانند چگونه آن را ماهرانه مدیریت کنند. آن‌ها سکوت را نشانه ضعف و دستپاچگی می‌دانند، اما سکوت می‌تواند سازنده باشد؛ اول از همه فرصتی برای تأمل است تا گوینده بتواند پاسخ دقیق‌تر و درست‌تری آماده و به روند بحث کمک بیشتری کند. دوم این که سکوت به افراد بیش‌تری فرصت صحبت کردن می‌دهد. مهارت در مدیریت سکوت، مهارتی کلیدی برای داشتن یک مباحثه اثربخش است.

مقدمه ۱: بسیاری از مردم هنگام بحث کردن خیلی سریع صحبت می‌کنند.

مقدمه ۲: بسیاری از مردم که وقتی از آنان سؤال می‌شود، زود شروع به صحبت می‌کنند تا مطمئن شوند هیچ وقفه‌ای در بحث پیش نمی‌آید.

مقدمه ۳: بسیاری از مردم عادت ندارند در بحث کردن از سکوت استفاده کنند و نمی‌دانند چگونه آن را ماهرانه مدیریت کنند.

مقدمه ۴: بسیاری از مردم سکوت را نشانه ضعف و دستپاچگی می‌دانند.

نتیجه واسط ۱: بنابراین بسیاری از مردم از سکوت کردن نگران‌اند.

مقدمه ۵: سکوت فرصتی برای تأمل است تا گوینده بتواند پاسخ دقیق‌تر و درست‌تری آماده و به روند بحث کمک بیشتری کند.

مقدمه ۶: سکوت به افراد بیش‌تری فرصت صحبت کردن می‌دهد.

نتیجه واسط ۲: پس سکوت می‌تواند برای بهبود مباحثه سازنده باشد.

مقدمه ۷ (ضمنی): اگر چیزی سازنده باشد، جای نگرانی نیست و می‌توان با مدیریت از آن به عنوان مهارتی کلیدی برای اثربخشی استفاده کرد.

نتیجه ۸: مهارت در مدیریت سکوت، مهارتی کلیدی برای داشتن یک مباحثه اثربخش است.

۱) من فکر نمی‌کنم که درست باشد که برای کاوه ماشین بخریم، او اصلاً مسئولیت‌پذیر نیست برای اینکه از وسایل مراقبت نمی‌کند. به هر حال پول کافی هم برای خرید ماشین نداریم، چون همین الان هم از پس مخارجمان بر نمی‌آییم، هفته پیش خودت داشتی از وضعیت مالی‌مان شکایت می‌کردی و تو هم هیچ وقت بدون دلیل شکایت نمی‌کنی.

۲) همان‌قدر که از راستی‌ها متنفر هستیم، قطعاً نباید مذاکره با آمریکا را هم قبول کنیم. مذاکره با آمریکا تمام اصول ما را زیر پا می‌گذارد. از آمریکا بدقول‌تر و خیانت‌کارتر هم که وجود ندارد. هرچند فشار تحریم‌ها با مذاکره‌ها کمتر شد ولی در پایان به کجا رسیده‌ایم؟

۳) اگر مدرک داشتن به معنای داشتن درک و تجربه باشد، پس سعید باید انیشتین باشد! آن هم کی! سعید!

۴) بنا به گزارش پلیس محلی مشخصات سارق قد بلند و موی قهوه‌ای بافته‌شده بوده است. الکس که مومشکی است!

۵) در آغاز سال جدید حدود ۱۰ میلیون ایرانی با همان سرعت مصرف داده‌های روی اینترنت، داده‌هایی روی آن تولید می‌کنند. هر یک از این کاربران از طریق فناوری‌هایی که قادر به جمع‌آوری داده‌های مهمی درباره آن‌ها شامل سن، آدرس، وضعیت حساب‌های بانکی، وضعیت تاهل

و... برای کاربرد تجاری هستند، ردیابی می‌شوند. برای مثال یک پایگاه اینترنتی وعده داده است که در ازای ۱ میلیون تومان ناقابل، ۲ میلیون پرونده را برای تنظیم یک گزارش جامع درباره یک فرد بررسی می‌کند. بنابراین منطقی است که فکر کنیم ترکیب سرمایه‌داری و فناوری تهدیدی جدی برای باقیمانده حریم خصوصی ماست.

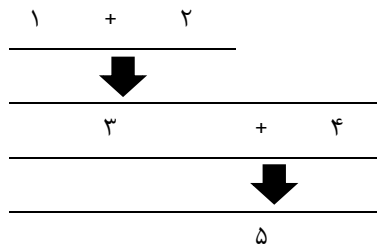
۶) هر کس منافق باشد در برابر این حرف من موضع می‌گیرد. من نمی‌خواهم نتیجه بگیرم ولی خودتان در مورد نقدهای آقای ج به حرف‌های من قضاوت کنید.

۵. تمرین (فردی - گروهی): استدلال موجود در عبارات زیر را بازسازی کنید و سپس با رسم نمودار نشان دهید مقدمات آن مستقل هستند یا وابسته؟

نمونه‌های حل شده:

زندگی انسان‌ها در هر حالتی ارزشمند است. نباید به معتادان اجازه داد که زندگی خود را به تباهی بکشند. بنابراین نباید مصرف و فروش ماده‌های مخدر را قانونی کرد. صورت مثال را می‌توان اینگونه بازسازی و شماره‌گذاری کرد:

۱. مقدمه: زندگی انسان‌ها در هر حالتی ارزشمند است. (پس نباید تباه شود).
۲. مقدمه ضمنی: معتادان هم انسان هستند.
۳. نتیجه واسطه: پس زندگی معتادان نباید تباه شود.
۴. مقدمه ضمنی: اگر مصرف و فروش ماده‌های مخدر قانونی شود، زندگی معتادان تباه می‌شود.
۵. نتیجه: بنابراین نباید مصرف و فروش ماده‌های مخدر را قانونی کرد.



- ۱) من فکر نمی‌کنم که درست باشد که برای کاوه ماشین بخریم، او اصلاً مسئولیت‌پذیر نیست برای اینکه از وسایل مراقبت نمی‌کند. به هر حال پول کافی هم برای خرید ماشین نداریم، چون همین الان هم از پس مخارجمان بر نمی‌آییم، هفته پیش خودت داشتی از وضعیت مالی‌مان شکایت می‌کردی و تو هم هیچ‌وقت بدون دلیل شکایت نمی‌کنی.
- ۲) من مطمئن هستم که آرش و آنا عاشق هم هستند. هر دو آن‌ها نگاه خیره عاشقان را دارند و در ضمن من دیده‌ام که با هم نامه رد و بدل می‌کنند.
- ۳) اگر کامپیوتر «نت‌ویزارد» بتواند نرم‌افزار الف را اجرا کند، نیازهای محاسباتی مرا برطرف می‌نماید. کامپیوتر «نت‌ویزارد» می‌تواند نرم‌افزار الف را اجرا نماید.
- ۴) بسیاری از من خواستند که در مورد شعر جدید که ظاهراً از شکسپیر است، اظهار نظر کنم... به دلایل زیر انتصاب این شعرها به او بسی نامحتمل است: این شعرها با هر آنچه که شکسپیر نوشته متفاوتند. ما با خواندن شعرهای اولیه او مانند شکوه یک عاشق و ونوس و ادینس می‌دانیم سبک شکسپیر در ابتدا چگونه بوده؛ و این شعر اصلاً بدان‌ها نمی‌ماند. شکسپیر در زمان حیات خود چنان شهیر بود که مردمان هیچ چیزی را از او فرو نمی‌نهادند. درست برعکس، به نامش چیزهایی چاپ می‌کردند تا از نامش بهره‌برداری کنند، شعرهایی که یقیناً از آن او نیست. نتیجه آشکار است؛ محال است که این اشعار میان‌مایه از خامه او تراویده باشد. «ای.ال.روزنامه به سردبیر، نیویورک تایمز، ۸ دسامبر ۱۹۸۵»

- ۵) اگر بهروز دروغ گفته، پس همه پول‌ها را برای خودش برداشته است، اما او دروغ نگفته است.
- ۶) باید صادقانه بپذیریم که هیچ وجهی از زندگی انسان نیست که برای جامعه مهم نباشد، زیرا شخص هرطور باشد، عمل کند، یا بیاندهد در سعادت شخصی‌اش نقش دارد. سعادت‌ی که مقصود جامعه است و باید باشد، و نیز زندگی شخص می‌تواند بر اندیشه و کنش و شخصیت کسانی که با او در ارتباط هستند، تأثیر بگذارد. «ال.تی.هاب هاوس، لیبرالیسم»

۶. تمرین (دلخواه - چالشی): متن زیر را بخوانید استدلال اساسی آقای الف و ج را معین کنید. در مرحله بعد نوع پیش‌فرض‌های هر یک را مشخص نمایید.

مناظره آقای الف و آقای جیم پیرامون موضوع هویت:

آقای جیم: من فکر می‌کنم در جمهوری اسلامی ایران، علت اینکه اینقدر روی مسئله هویت تأکید می‌شود، این است که نظام ما یک نظام ایدئولوژیک است، بنابراین نگران است که یکسری ارزشها، یک سری باورها که حکومت یا نظام می‌خواهد ما داشته باشیم، به خصوص نسل جوان داشته باشد، این موارد در خطر فراموشی است! بنابراین این بحث‌ها را مرتباً مطرح می‌کنند: «هویت ما چیست؟» قبل از انقلاب بحث هویت و بحران هویت مطرح نبود، انقلاب و تنش‌های سیاسی به دنبال آن، این بحث را، موضوع مطرح روز کرده است.

آقای الف: شما با توجه به گفته‌هایتان یا مطالعه کافی در این زمینه ندارید یا عنصری خودباخته هستید که در فضای کنونی که هویت ایرانی اسلامی ما مورد حمله غرب و تفکر غربی است، به دنبال پاک کردن صورت مساله هستید. از نظر من هویت ما در معنای ابتدایی همان شخصیت ماست و ویژگی‌های شخصیتی ما هویت ما را می‌سازد و ما هستیم که با هویت خود شخصیت میابیم. شما در طول تاریخ می‌بینید که ما در مقابل هجوم اعراب در مقابل هجمه فرهنگی آن ایستادگی کردیم و هویت ایرانی خود را حفظ کرده ایم، اسلام را از آنها گرفتیم اما هویتمان را نه.

آقای جیم: شما می‌توانید برای من اثبات کنید که زبان و ادبیات عرب بخش قابل توجهی از هویت ما را تحت پوشش خود قرار نداده است؟ پس باید بپذیرید که ما تحت تأثیر زبان عرب، فرهنگ عربی را هم در هویت خود وارد کرده ایم. هویت ایرانی، هرچند قرن یکبار تغییر اساسی کرده است پس طی سال‌های اخیر هم تغییر خواهد کرد.

آقای الف: نگاه شما به این مساله علمی نیست. توجه کنید که اعراب آن زمان در سطحی نبودند که برای تغییر هویت ما برنامه‌ریزی کنند، اما اگر شما به اصل حرف من دقت می‌کردید. در می‌یافتید که منظور من از تهاجم فرهنگی غرب، یک تهاجم برنامه‌ریزی شده و دقیق است. حتی من در سفری که به آلمان داشتم توفیق پیدا کردم که با جناب پرفسور سمعی همسفر شوم، ایشان هم نظرشان این بود که هویت ایرانی اکنون ما شالوده‌ای از ایران باستان و تأثرات ما از غرب است. از نظر من که همه ایرانی‌ها ذاتاً کمال‌خواه و عدالت‌طلب هستند، و اگر نبود نفوذ غرب و تهاجم فرهنگی آن، ایرانی‌ها سردمداران دنیا بودند.

آقای جیم: اصل حرف شما این است که جوان ایرانی، قدرت درک برتری هویت خود نسبت به هویت غربی را ندارد و مقهور هویت غرب است. من که با این نظر شما اصلاً موافق نیستم. و در ضمن اگر نگاه من علمی نیست، تحلیل شما از هویت علمی است؟ شما از در اینجا که بیرون رفتی از هر فردی بیرسی، همین حرف من را به شما خواهد زد، شما از بحران هویت حرف می‌زنید تا از علت اصلی مشکلات سیاسی و اجتماعی بحثی به میان نیاید. اینکه جوان ایرانی میل به غرب و فرهنگ آن دارد بحران هویت نیست! مشکلات سیاسی و اجتماعی است که شما با اسم بحران هویت روی آن سرپوش گذاشته‌اید. البته من مطمئن نیستم وقتی مردم این صحبت‌های شما را می‌شنوند، در مورد شما چه فکری خواهند کرد اما هویت ما، متفاوت از تصورات شماست.

آقای الف: مخالفت شما با بحران هویت از این روست که می‌خواهی نظام و حکومت را تضعیف کنی! اگر با شما موافقت کنم که بحران هویتی وجود ندارد و این عامل انحراف جوانان ما نیست، حتماً انتظار دارید تأیید کنم که غرب، و هویت آن به قدری خوب و بکناست که این خود ما هستیم که برای غربی شدن و پذیرش آن اقدام کرده‌ایم؟ من که باور نمی‌کنم جوان روشنفکر و مذهبی ایرانی هویت غربی را به هویت خود ترجیح دهد. نمی‌توانم تمام وقت و تلاشم را صرف اثبات این مطلب به شما کنم! آن طور که پیداست حتی در مبانی هم اختلاف نظر داریم.

پیش‌فرض‌های توصیفی	پیش‌فرض‌های توصیه‌ای